



Analysis of the Guidance and Leadership of Prophet Noah (AS) from the Perspective of the Holy Quran*

Gol Reza Kamali*

Abstract

The necessity of guiding and leading human society in critical conditions has made the use of an authentic and deeply rooted thought in divine governance inevitable. Since the philosophy of the revelation of the verses of divine inspiration is not limited to a specific society or a particular time, the healthiest path for guiding society can be extracted from Quranic teachings and utilized to operationalize it in the contemporary era. Based on His Lordship, God has sent prophets to humanity for guidance and revealed laws through them. One of the resolute prophets is Prophet Noah (AS), who, for the guidance of his people, formulated and implemented a complete managerial model. The objective of this research is to examine the "methods of guidance and leadership of Prophet Noah (AS) in the Holy Quran," which has been studied using content analysis. The findings indicate that Prophet Noah (AS), with complete insight, delved into the depths of unknown realms and guided humanity toward monotheism. Competence is another fundamental characteristic of leadership, for which God selected Prophet Noah (AS) as the leader based on criteria such as faith, piety, righteous deeds, patience, and adherence to justice. He possessed the expressive power in inviting his people, meaning it was accompanied by reasoning and decisiveness. In addition, he awakened dormant and slumbering consciences through beautiful exhortation and fulfilled the proof upon them.

Keywords: Quran and Management, Cooperation in the Quran, Lexicography, Organizational Implications, Collective Cooperation.

*. Received: ۲۷/۱۱/۱۳۹۹ SH (۰۵/۲۲/۲۲۲۰ CE) and Accepted: ۳۰/۳۳/۰۰۰۴ SH (۰۰/۰۶/۲۰۲۰ CE).

*. PhD Researcher in Quran and Sciences (Management Orientation), Al-Mustafa International University, Qom-Iran. rkamali000@gmail.com



تحلیل هدایت و رهبری حضرت نوح (ع) از منظر قرآن کریم*

گل رضا کمالی*

چکیده

لزوم هدایت و رهبری جامعه انسانی در شرایط بحرانی ضرورت استفاده از یک تفکر اصیل و ریشه دار در حاکمیت الهی را اجتناب ناپذیر کرده است. از آنجا که فلسفه نزول آیات وحی برای جامعه خاص و در زمانی معین محدود نمی باشد، می توان سالم ترین راه هدایت جامعه را از آموزه های قرآنی استخراج و از آن در راستای عملیاتی سازی در عصر کنونی زمینه سازی کرد. خداوند بر اساس ربوبیت خود و برای هدایت، بشر پیامبران را ارسال و قوانین را از طریق آن ها نازل کرده است. یکی از پیامبران اولوا العزم حضرت نوح (ع) است که برای هدایت امت خود؛ الگوی کامل مدیریتی را، تدوین و اجراء کرده است. هدف این پژوهش، بررسی «شیوه های هدایت و رهبری حضرت نوح (ع) در قرآن کریم» است که با شیوه تحلیل محتوا مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته ها بیانگر این است که حضرت نوح (ع) با بصیرت تمام به عمق مناطق ناشناخته به کاوش پرداخته و انسان را به سمت یکتاپرستی هدایت کرده است. «شایستگی از دیگر ویژگی های اساسی رهبری است که خداوند با ملاک های ایمان، تقوا، عمل صالح، صبر و رعایت عدالت حضرت نوح (ع) را به عنوان رهبر انتخاب کرده است. ایشان برای دعوت قوم خود بیان قدرت مندی داشته است، یعنی همراه با استلال و قاطعیت بوده است افزون بر آن وجدانها خفته و خوابیده با موعظه حسنه بیدار و حجت را بر آنان تمام کرد.

واژگان کلیدی: قرآن و مدیریت، تعاون در قرآن، واژه پژوهی، دلالت های سازمانی، همکاری جمعی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰

* دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی العالمیه: rkamali1370@gmail.com



مقدمه

از دیرباز اندیشمندان و محققان مدیریت به موضوع رهبری توجه داشته، همواره درباره زوایای مختلف آن از جمله عوامل اثربخشی و موفقیت یک رهبر به مطالعه و تحقیق می پرداختند. علت اصلی توجه محققان به مسئله، رهبری نقش حیاتی او در پویایی و بالندگی سازمان و تأثیر چشمگیر رهبران قوی و اثر بخش بر موفقیت بسیاری از سازمانهاست. افزون بر این، شاید بتوان ادعا کرد رهبری جوهره مدیریت است و به کارگیری منابع انسانی که در تعریف مدیریت لحاظ شده، در حقیقت، از طریق نوع تعامل بین رهبر و پیرو و رئیس و کارمند محقق می شود. همچنین در بیان اهمیت رهبری می توان گفت مدیران باید دارای مهارت های نظری فنی و انسانی باشند؛ مهم ترین این مهارت ها مهارت انسانی است؛ و مهارت انسانی تعیین کننده نوع تعامل با کارکنان جهت نیل به اهداف است در حقیقت وظیفه رهبری در، مدیریت تجلی مهارت انسانی مدیران است این، موضوع اهمیت رهبری را دو چندان می. کند؛ از این رو ضرورت دارد تعریف از رهبری صورت گیرد.

در عرصه مطالعات قرآنی و علوم انسانی، بررسی سیره انبیای الهی به عنوان الگوهای جاودان هدایت و رهبری، از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ چرا که قرآن کریم، این کتاب هدایت، نه تنها روایتگر داستان های الهی است، بلکه از آن ها به عنوان مبنایی برای تربیت فردی و اجتماعی بهره می برد. حضرت نوح (ع)، نخستین پیامبری که قرآن به صراحت از او به عنوان «نَبِيًّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» یاد می کند، نمادی از صبر، بصیرت و قاطعیت در برابر طوفان های کفر و شرک است. داستان هدایتگری وی، که در سوره های متعددی همچون هود (آیات ۲۵ تا ۴۹)، نوح، اعراف، مؤمنون، شعراء و قمر با جزئیات بیان شده، بیش از یک روایت تاریخی است؛ بلکه الگویی عملی برای مدیران و رهبران معاصر در مواجهه با چالش های اخلاقی و اجتماعی به شمار می رود. قرآن، با تأکید بر تلاش ۹۵۰ ساله نوح (ع) در دعوت قوم به توحید - که تنها ۸۰ نفر را به ایمان رساند - و ساخت کشتی به عنوان نماد نجات الهی، اصول رهبری تحول آفرین را برجسته



می‌سازد، از جمله بصیرت در کاوش بحران‌ها، شایستگی اخلاقی، قدرت تصمیم‌گیری، تخصص دانش‌محور، نفوذ کلام و صبر پایدار.

این مقاله، با عنوان «تحلیل هدایت و رهبری حضرت نوح (ع) از منظر قرآن»، بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و استناد به آیات و تفاسیر معتبر، ویژگی‌های کلیدی رهبری نوح (ع) را استخراج و تبیین نماید. هدف اصلی، ارائه چارچوبی قرآنی برای رهبری امروزی است که در آن، هدایت نه تنها دعوت به ایمان، بلکه تحول ساختاری جامعه در برابر انحرافات است. این پژوهش، با الهام از سیره نوح (ع) به عنوان الگوی مقاومت در برابر تکذیب و نفرین بر ستمگران، بر آن است تا پلی میان وحی الهی و نیازهای معاصر بزند و نشان دهد چگونه قرآن، منبع بی‌پایانی برای تربیت رهبران شایسته است.

پیشینه پژوهش

بر اساس مطالعات انجام شده مشخص شد که با وجود اهمیت و ضرورت مسئله یادشده هنوز پژوهش‌روشمند و نظام‌مند مبتنی بر تحلیل هدایت و رهبری حضرت نوح (ع) تدوین و منتشر نشده است و این اثر از بروز‌ترین آثار در زمینه هدایت و رهبری حضرت نوح (ع) است. ولی عناوین در حول و محور مدیریت شایسته و الگوی مدیریتی حضرت نوح (ع) به رشته تحریر درآمده است که به صورت پراکنده می‌باشد که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- مقاله «الگوی مدیریتی حضرت نوح (ع)» اثر محمد رضا شیری و سعید قاسمی. محتوای این مقاله داری چهار بخش که بخش اول آن مقدمه، بخش دوم ویژگی‌های مدیر متعالی با نگاه به سیره حضرت نوح (ع)، بخش سوم اصول مدیریتی حضرت نوح (ع)، بخش چهارم اصول مدیریت حاکمیتی حضرت نوح (ع) می‌باشد. هر چند این مقاله موضوع آن الگوی مدیریتی حضرت نوح (ع) می‌باشد اما محتوای که در این مقاله وجود دارد مطابق با علم مدیریت نیست فقط در بخش آخر آن در مورد کنترل بحث شده که آن هم جزییاست و ارتباطی با مقاله بنده ندارد.



۲- کتاب «اصول مدیریت» اثر علی رضاییان، این کتاب دارای یازده فصل و هر فصل دارای زیر مجموعه‌ای بوده که در فصل هشتم هدایت را بحث نموده است. با وجود بحث در مورد هدایت در مورد حضرت نوح (ع) در این کتاب چیزی ذکر نشده لذا ارتباطی مستقیم با موضوع پیشنهادی ندارد و از این کتاب به عنوان منبع در مباحث مدیریتی استفاده می شود.

البته آثار دیگری نیز در زمینه زندگی حضرت نوح (ع) به نگارش درآمده است و از سوی دیگر در تمام کتب مدیریت به بحث هدایت و رهبری به عنوان یکی از وظایف اصلی مدیریت پرداخته شده است؛ لیکن تحقیقات در زمینه مدیریت حضرت نوح، آن هم با رویکرد قرآنی محدود و در حد هیچ بوده است. پس در این زمینه خلأ تحقیقی و مفهومی عمیق وجود دارد و تحقیق حاضر در راستای رفع این خلأ به سرانجام خواهد رسید.

مفهوم هدایت و رهبری

هدایت در بیان اهل لغت به معانی رهبری، راهنمایی، ارشاد و رهنمونی آمده است (دهخدا، ج ۴۹: ۱۵۶). رهبری را نیز اهل لغت به معنای راهبری، دلالت و هدایت و راهنمایی و ارشاد دانسته‌اند (دهخدا، ج ۲۶: ۲۲۷). در موضوع هدایت و رهبری تعریف‌های متعددی ارائه شده است که هیچ کدام از آن‌ها جامع نیست «جیمز استونر» و «ادوارد فریمن» دو تن از صاحب نظران و نویسندگان معروف مدیریت در تعریف رهبری گفته‌اند رهبری عبارت است از فرایند هدایت و اعمال نفوذ بر فعالیت‌های کاری اعضای گروه (سوری زهی، ۱۳۹۹: ۳)، هرولد کونتز، سیریل اودانل، هینز، و پهریخ رهبری را با نفوذ برابر دانسته و معتقدند: «رهبری هنر یا فرایند نفوذ بر مردم است طوری که از روی میل و اشتیاق در جهت دستیابی به هدفهای گروه تلاش کنند. مورهد و گریفین نیز در تعریف رهبری معتقدند رهبری به عنوان یک فرایند، عبارت است از قدرت استفاده از نفوذ بدون اجبار برای هدایت و هماهنگ کردن فعالیت‌های اعضای گروه، به منظور دستیابی به هدف (مورهد و کریفن، ۱۳۸۷: ۳۳۴) تعاریف دیگر نیز با اختلافات جزئی تقریباً مشابه تعاریف



فوق ارائه شده است که نقطه مشترک آن‌ها فرایند نفوذ و تأثیرگذاری رهبر بر افراد است؛ اما در اینکه این نفوذ و تأثیرگذاری حتماً باید بدون اعمال زور و به صورت مشتاقانه باشد یا خیر اختلاف نظر بین اندیشمندان در بحث رهبری وجود دارد. هدایت و رهبری سازمان می‌تواند مفاهیم مختلفی را شامل شود؛ ولی به طور کلی، رهبران سازمانی کمک می‌کنند تا کارها را به شیوه درست به انجام برسانند. آن‌ها فرآیندها را جهت دار می‌کنند و چشم اندازهای الهام بخشی را ایجاد می‌کنند (رضائیان، ۱۳۸۸: ۳۰۳). سازمان‌ها به منظور دستیابی به کارآیی مطلوب حتماً باید رهبری قوی داشته باشند. رهبری سازمان شامل تمام فرایندها و نتایج احتمالی است که منجر به توسعه و دستیابی به اهداف سازمان می‌شود که شامل ایجاد روحیه در کارکنان، ارتباط مؤثر، حل تعارض و تکنیک‌های حل مسئله، توانایی‌ها و مهارت‌های کار گروهی و... می‌شود.

موفقیت سازمان برای رسیدن به اهداف خود به چند عامل بستگی خواهد داشت. اول رهبر و مدیر ذهن پویا و قدرت حل مسئله داشته باشد. دوم خلاقیتش به گونه‌ای باشد که کارمندان برای رسیدن به اهدافشان انگیزه پیدا کنند. از این طریق تشویق می‌شوند کارآمدی و اثربخشی کارکنان افزایش می‌یابد (مجدفر، ۱۳۷۱: ۲۳۴). بیشتر اندیشمندان حوزه مدیریت تأکید دارند برای انتخاب مدیران تخصص و صلاحیت‌های علمی را به عنوان شرط اساسی باید در نظر گرفت. از این طریق اطمینان حاصل می‌شود که رهبران مهارت‌های لازم را برای رهبری یک سازمان دارند و می‌توانند اهداف خود را در سطوح مختلف سازمانی اجرا کرده و در شغل خود پیشرفت کنند.

شناسای و کشف استعداد منابع انسانی در داخل سازمان تحت رهبری یکی از مهارت‌های رهبران و مدیران در سازمان است. زیرا به نیروی‌های داخلی سازمان فرصت داده می‌شود که از این طریق تبدیل به رهبران شایسته در آینده می‌شود. تشویق منابع انسانی در سازمان به رشد درونی و تأکید بر اهمیت توسعه رهبری می‌تواند میزان وفاداری به سازمان و کارآمدی و اثربخشی آن‌ها را افزایش می‌دهد (ستاری، ۱۴۰۰: ۱۰). مدیران موفق در سازمان‌ها باید این توانایی را داشته باشند که به صورت مستمر شیوه‌های رهبری جدیدی را برای خود تنظیم کنند تا به این ترتیب بتوانند کارمندان و فرایندهای سازمانی را رهبری کنند به همین دلیل رهبری برای موفقیت سازمان و ضروری است.



جایگاه هدایت و رهبری در قرآن

در قرآن کریم از اول تا آخر کتاب هدایت و درس‌های سعادت بخش برای بشریت است و همه ی پیامبران الهی هم در همین راستا به‌عنوان هدایت‌گر و رهبر از طرف خداوند به هدف رستگاری و سعادت بشر فرستاده شده است حضرت نوح (ع) بعد از حضرت آدم دومین پیامبر و هدایت‌گر بشر است. حضرت نوح (ع) برای هدایت نسل بشر (قوم خود) تلاش‌های زیاد انجام داد و رنج‌ها و دردهای فراوانی را متحمل شدند تا هدف الهی که همان هدایت و رهبری جامعه است تحقق پیدا کند. در نظام آفرینش انسان مانند سایر موجودات نهاده‌های ذاتی دارد که او را برای رسیدن به هدف خلقت کمک می‌کند بر اساس مشیت الهی خلقت انسان و هدف که از آفرینش آن در نظر گرفته شده است با سایر موجودات متفاوت است و «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» دنیا و هر آن چه در آن است برای رشد و تکامل انسان آفریده شده است (بقره/۲۹). «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ» (جاثیه/۱۳). تا انسان بتواند زندگی طیب و پاکی داشته باشد. موجودات دیگر اختیاری در ترسیم ماهیت خود ندارند؛ ولی انسان باید خودش اسباب و مقدمات شکوفایی استعدادهای که خداوند در وجودش قرار داده است را فراهم نماید و گام‌های کمال را طی کند تا به هدف عالی و مقصد نهایی که سعادت که هدایت و عمل به دستورات خداوند است برسد. خداوند برای هدایت و رهبری بندگان خود در مسیر درست پیامبران را به‌عنوان و رهبر و قرآن کریم به‌عنوان قانون هدایت فرستاده است. خداوند در آیه اول سوره بقره هدف از فرستادن قرآن را هدایت کسانی معرفی می‌کند که اهل تقوا هستند. می‌فرماید: «الْم *ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۱ و ۲). در قرآن چند نوع هدایت و رهبری ذکر شده است که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند:

≠ **هدایت و رهبری تکوینی عام:** قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵۰). این هدایت، همان نظام و سازمان خلقت است که خداوند موجودات را طبق آن آفریده است به‌گونه‌ای که تمام هستی، هماهنگ و متحد، به‌سوی غایتی واحد در حرکت و تکاپو هستند که در برابر این هدایت، هیچ‌گونه ضلالتی وجود



ندارد (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۳: ۵۱۱). هدایت و رهبری تکوینی خاص؛ این هدایت همه انسان‌ها از طریق عقل و فطرت، به سمت ارزش‌های الهی بر اساس چهار چوب و اصول که خداوند توسط پیامبران خود فرستاده است که در قرآن از آن به «حجت باطن»، تعبیر شده است. چنین هدایتی، چند خصوصیت دارند؛ اول: منحصر به انسان است. دوم: در میان انسان‌ها عمومی و استثناپذیر است. سوم: ذاتی و درونی است و در برابر آن هیچ گونه ضلالتی نیست؛ یعنی خداوند، انسان و عقل گمراه کننده، نیافریده است (قاسمی راد، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

≠ **هدایت تشریحی عام:** قرآن کریم در این راستا می‌فرماید: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد/۷). این گونه هدایت، مخصوص انسان‌ها و طایفه جن می‌باشد؛ زیرا تشریح و قانون گذاری، در ظرف اختیار و توان کنش‌های انتخابی و گزینش، موضوعیت دارد و بدون آن، بی معناست. چنین هدایتی نیز از نظر قرآن در ظرف خود فراگیر و همگانی است؛ یعنی خداوند پیامبران را برای هدایت و رهبری همه انسان‌ها فرستاده است و کتاب آسمانی خود را برای جمیع بشر، نازل کرده است. قرآن کریم در آیه دیگر می‌فرماید: «مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبا/۲۸). در برابر این گونه هدایت نیز هیچ ضلالتی نیست؛ زیرا ضلالت تشریحی به این معناست که نعوذ بالله - خداوند، پیامبرانی را هم برای گمراه سازی برخی از مردم، مبعوث کرده است و معارف و احکام و قوانین گمراه کننده ای بر آنان نازل کند؛ در حالی که خداوند، هرگز چنین نمی‌کند و از او، جز سخن حق، نازل نمی‌شود.

≠ **هدایت تکوینی پاداشی (ثانوی):** قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (بقره/۵). هدایت مخصوص مؤمنان است؛ یعنی کسانی که با اختیار خویش، در برابر هدایت رسولان الهی و نورافشانی‌های عقل و فطرت، تسلیم شدند و خداوند باب هدایت دیگری را برتر از هدایت‌های گذشته، برای آنان می‌گشاید و به عبارت دیگر، آنان با اختیار خود از هدایت‌های گذشته استفاده می‌کنند و به این هدایت، راه می‌یابند. به همین دلیل این نوع هدایت را پاداشی و ثانوی (یعنی مترتب بر پذیرش هدایت‌های اولی) نامیده است. فرق اساسی این هدایت با مراتب قبلی، آن است که وجه



غالب آنها جنبه راهنمایی (ارائه طریق) داشت؛ ولی این مرتبه، افزون بر آن، خاصیت راهبردی (ایصال الی المطلوب) نیز دارد و چه بسا منظور از آیه دوم سوره بقره که می فرماید: قرآن، هدایت گر متقین می باشد، مراتب اولیه این نوع هدایت پاداشی باشد. یعنی اگرچه قرآن برای هدایت همه انسان‌ها نازل شده است. اما پرهیزگاران و متقیان از آن بهره مند می شوند و اینان نیز با مداومت بر ایمان، نماز و انفاق، به مرتبه عالی هدایت پاداشی می‌رسند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۵۳).

اصول هدایت و رهبری حضرت نوح (ع) در قرآن

با تتبع و کنکاش در آیات قرآن و سیره انبیا می‌توان دریافت که نوح (ع) به عنوان یکی از انبیای اولوالعزم و شیخ الانبیا، از هر حیث، به‌ویژه رهبری که جزء وظایف ذاتی شغل پیامبری است، از سرآمدان دوران بوده است. چنین رهبری و سبک هدایتگری، لاجرم بر اصول مسلمی استوار بوده است. بررسی و تحلیل این اصول، بدنه اصلی تحقیق حاضر است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۱- بصیرت و آگاهی حضرت نوح (ع)

سوره نوح و آیات دیگری که در رابطه به داستان حضرت نوح (ع) است، بیانگر داشتن بصیرت فوق العاده حضرت نوح (ع) در مواجهه با مشکلات و گرفتاری‌های که طول زندگی پر برکت اتفاق افتاده است می‌باشد. بصیرت به معنای شناخت حقیقت و قدرت درک صحیح امور است. بصیرت واقعی در هنگام کشاکش بحران‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی تجلی پیدا می‌کند. هر انسانی ممکن است پیش از مواجهه با مشکلات، ادعاهای فراوانی مبنی بر فضایل و داشته‌های فکری، اعتقادی، معنوی و مانند آن داشته باشد؛ ولی این ادعا زمانی رنگ واقعیت را به خود خواهد دید که در هنگام بروز بحران‌های فکری، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی نیز همچنان پابرجا و استوار بماند؛ زیرا در این حالات است که توانایی تشخیص حق از باطل و درست از نادرست مشخص شده، ریزش‌ها و رویش‌های بسیاری صورت می‌گیرد و باورهای فکری و ناگفته‌ها و واقعیات درون، به صورت گفتار و رفتار بروز می‌نماید. بصیرت در اصطلاح، عبارت



است از قوه‌ای در قلب شخص که به نور قدسی منور بوده، به وسیله آن حقایق اشیا و امور را درک می‌کند؛ همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صور و ظواهر اشیا را می‌بیند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۶۵). ماده بصیرت در ضمن آیات قرآن، در سه معنی بکار برده شده است به معنی بینائی دل؛ چنانچه در آیه مبارکه می‌فرماید: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرَ» (فاطر/۱۹). بصیر در اینجا یعنی کسی که بالغ شده است در اینجا منظور بلوغ فکری میباشد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲: ۸۴). در آیه مبارکه دیگر می‌فرماید: «فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان/۲) که به معنی بینائی با برهان دلیل است. چنانچه در آیه مبارکه دیگر می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا» (طه/۱۲۵) که مراد احتمالاً بینایی چشم باشد.

بر اساس شواهد تاریخی نسل بشر از فرزندان حضرت نوح (ع) است و مؤمنان که در کشتی سوار شدن و نجات پیدا کردن از آن‌ها فرزندی باقی نمانده است. بنا بر این؛ نحوه توزیع نسل امروزی بشر، مرهون بصیرت. آگاهی حضرت نوح (ع) است که این بخش از اقدامات آینده گرایانه‌های حضرت نوح (ع) می‌باشد (شیری، ۱۳۹۸: ۷). قرآن کریم در رابطه با بصیرت حضرت نوح (ع) می‌فرماید: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتٍ رَّبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۶۲). حضرت نوح (ع) این ظرفیت ویژه (بصیرت) را داشته است که از طرف خداوند به‌عنوان رهبر و فرستاده انتخاب شده است. بیان رسالت نوعی بصیرت است بر گرفته از علم و آگاهی است که توسط خداوند عنایت شده است به حضرت نوح (ع) «وَأَنْصَحُ لَكُمْ» نصیحت پند و اندرز است به آنچه صلاح طرف است چه در دنیا و چه در آخرت و موعظه منع از امور است که موجب فساد دنیا و آخرت می‌شود و بیان مضار آنها؛ کسی که بصیرت بر خوردار است نصیحت می‌کند؛ زیرا از خیر و شری را قرار در آینده دامن‌گیر مردم شود آگاهی دارد. حضرت نوح (ع) از این روی دلسوزی و دفع شر و آوردن خیر با علم و بصیرت قوم خودش را نصیحت می‌کند. «وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» من از طرف خداوند به اموری آگاهی دارم که شما از آن بی‌خبر هستید مثل قیامت و حساب کتاب این آگاهی حضرت نوع (ع) علم و بصیرتی است که خداوند به حضرت عطاء کرده است و یک نوع بصیرت علمی از آینده؛ تجلی یافته است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۹).



بصیرت که خداوند به حضرت نوح (ع) عطا کرده برای نجات کل موجودات زنده که نسل آن ها در آینده موجود باشد قرآن کریم می فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (هود/۴۴).
رویاورویی نوح و قومش هم چنان ادامه داشت تا هنگامی که فرمان ما فرا رسید و تنور فوران کرد، گفتیم: از هر نوع حیوانی یک زوج دوتایی یک نر و یک ماده و نیز خاندانت و آنان را که ایمان آورده اند، در کشتی سوار کن مگر کسی که پیش تر فرمان غرق شدن را بر ضد او لازم کرده ایم و جز اندکی همراه او ایمان نیاوردند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۵).

بنابراین بر بنیاد آموزه‌های قرآنی و تاریخی، حضرت نوح (ع) یکی از پیامبران بصیر جاودانی است که با نجات نسل بشر در کشتی جهان را متحول ساخته است. حضرت نوح (ع) جزء رهبران پیشگامانی هستند که با بصیرت تمام به عمق مناطق ناشناخته به کاوش پرداخته و انسان را به سمت یکتاپرستی هدایت کرده است. آنهایی که رهبری را به دست می گیرند در نبرد تغییر همانند پیاده نظام اند حضرت نوح (ع) همواره در خط مقدم مبارزه با جهل قرار داشته است (نینوس، ۱۳۷۸: ۲۰). قبلاً در رابطه با معنای بصیرت گفته شده است که بصیرت عبارت است از آینده ای واقع گرایانه محقق الوقوع و جذاب برای سازمان در جهت رسیدن به وضع مطلوب. دعوت حضرت نوح (ع) از مردم و قومش به سمت خداپرستی و انجام کارهای درست؛ بیانگر اموری است در آینده برای این قوم اتفاق می افتد و آن ها دچار عذاب می شود و این بصیرت حضرت نوح (ع) را نشان می دهد که می خواهد قوم را از عذاب حتمی نجات دهد و با اعمال مدیریت و رهبری بصیر، آینده مطلوب را برای قومش بسازد. چنانچه باید گفت که بصیرت حضرت نوح (ع) در ساخت کشتی یک شاهکار است حکایت از آینده نگری و بصیرت والای این پیامبر عظیم شأن را می رساند که چگونه با کشتی نسل بشر را در بحران ها نجات داده است. از نظر سازمانی کشتی به منزله همین سازمان های امروزی در نظر گرفته می شود که مدیریت آن در دست حضرت نوح (ع) است و در یک بحرانی قرار دارد و مدیر با بصیرت خدادادی این سازمان را با تمام زیر مجموعه آن از نابودی نجات می دهد و این بصیرت حضرت نوح (ع) در رهبری و هدایت سازمان های امروزی بهترین الگو است.



۲- اهلیت و شایستگی حضرت نوح (ع)

امروزه مهم‌ترین عنصر سازمان، نیروی انسانی است و چون همه نیروهای انسانی سازمان، کارآمد نیستند، از این رو، نمی‌توان به هر یکی از آنها، هر کاری را واگذار کرد، بلکه باید افراد را بر اساس معیارهای خاص گزینش کرد. بر این اساس، مسئله شایسته‌سالاری مطرح می‌شود. شایسته‌سالاری عبارت است از: واگذاری کاری به افراد، تحت شرایط، معیارها و شاخص‌های خاص. البته شایسته‌سالاری از نظر قرآن کریم دارای معیارهایی ویژه مانند ایمان، تقوا، علم، عدالت، راستگویی، بصیرت بینش سیاسی، اخلاق نیکو، رفق و مدارا، قاطعیت، انتقادپذیری، تغافل، ایجاد امیدواری، صبر و استقامت می‌باشد که حضرت نوح (ع) تمام معیارهای شایستگی را داشت و در انتخاب افراد از معیارهای شایسته‌سالاری استفاده می‌کرد نجات تعداد از مؤمنین توسط کشتی دلالت بر همین شایسته‌سالاری دارد حضرت نوح (ع) تمام موجودات که در کشتی آورده بود از قبل به حکم پروردگار شناسایی کرده بود و معیارهای انتخاب آن‌ها را به علم که خداوند عنایت کرده بود می‌دانست؛ برای روشن شدن بحث شایسته‌سالاری در سازمان بهتر است تعریف روشن از آن ارائه گردد. شایسته‌سالاری در سازمان عبارت است از؛ انتخاب مدیران شایسته بر اساس توانمندی‌های معنوی، علمی و فنی، اجرایی و تجربه کاری (ابیلی، ۱۳۸۳: ۴).

شایسته‌سالاری حضرت نوح (ع) را می‌توان از دل قرآن و تاریخ سرگذشت این پیامبر بزرگ به بدست آورد برای روشن شدن این بحث و ایجاد دور نمایی از شایستگی دیگر انبیاء الهی در قرآن کریم به که صورت واضح بیان شده است. ضرورت دارد به موارد از آن‌ها اشاره گردد. شایسته‌سالاری حضرت ابراهیم؛ در قرآن کریم که از خدا تقاضا می‌کند که او را در زمره شایستگان قرار دهد: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (شعراء/ ۸۳). ایشان همچنین تقاضا می‌کند که فرزندان شایسته داشته باشد: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات: ۱۰۰). در آیات بسیاری، هنگامی که خداوند می‌خواهد پیامبران بزرگ را مدح کند آنها را به قرار گرفتن در زمره شایستگان توصیف می‌نماید. اهمیت شایستگی در اسلام، به ویژه قرآن به حدی است که به همه مؤمنان دستور داده شده است که در قنوت نمازهای عید فطر و عید قربان به صورت



دسته جمعی از خداوند آن چیزی را بخواهند که بندگان شایسته آن را می‌خواهند و از چیزی پناه ببرند که بندگان شایسته خدا پناه می‌برند. از مجموع این آیات و دعاها به خوبی استفاده می‌شود که صالح بودن، عالی‌ترین مرحله تکامل یک انسان است. این نگاه قرآن به شایستگی است به عنوان معیار های قرآنی در نظر گرفته می‌شود چنین معیار های اگر سازمان ها برای انتخاب مدیران و کارکنان در نظر گرفته شود و از آن ها به عنوان الگو برای گزینش افراد استفاده کند کارآمدی و اثربخشی و سلامت سازمانی را در همه ی عرصه ها افزایش می‌دهد. چنان که در قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم آمده است که آن حضرت پس از گذراندن آزمون‌های الهی، از ناحیه خداوند بزرگ پیشوای جامعه انسانی قرار گرفت: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره/۱۲۴). نگاه حضرت دست به دعا برداشت و فرمود: خدایا این مسئولیت را به فرزندم نیز عنایت کن: «قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» خداوند فرمود افراد فاسد و ظالم شایستگی به عهده گرفتن چنین مسئولیت را ندارند. همان گونه که ذکر شد، انبیا و اولیا از صالحان و شایستگان هستند.

شایستگی حضرت نوح (ع) و کسانی از مؤمن در قرآن کریم به خوبی بیان شده است و کسانی که شایستگی لازم را ندارد نیز در قرآن کریم از آن ها یاد شده است در داستان حضرت ابراهیم همان‌طور که از خداوند خواست از نسل مرا امام و رهبر قرار بدی خداوند معیاری شایستگی را عدالت و عدم ظلم معرفی کرد که منظور از ظلم همان گناه و معصیت است و منظور از عدالت تقوا و پاکی است. حضرت نوح (ع) هم برای برای فرزند خود در خواست نجات و بخشش می‌کند قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَأَذَىٰ نُوْحٌ رَبُّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي أُنَبِّئُ مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» (هود/ ۴۵). خداوند در جواب می‌فرماید: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلِنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ» (هود/۴۶). «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»؛ در این عبارت خداوند دلیل می‌آورد که چرا فرزند نوح از اهلش نیست، چون او دارای عمل شایسته‌ای نیست و این مطلب حکایت از آن می‌کند که نزدیکی دینی و اهمیت بیشتری نسبت به قرابت نسبی دارد، خدا از باب مبالغه در مذمت، خود فرزند نوح را کار ناشایست نامیده است (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ۱۳۸).



بنابراین معنی واضح است که خدا فرموده او بجا آورده عملی را که ناشایسته است و کسانی که مرتکب عمل ناشایسته شود از خانواده نبوت و طهارت نیست علاوه بر آنکه از وعده نجات استثناء شده بود. در این آیه خداوند معیار های شایستگی را در یک جمله بیان می کند و آن «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» انجام عمل غیر صالح توسط فرزند حضرت نوح (ع) است ذکر شد که در قرآن کریم طبق نظر مفسرین عمل صالح شایستگی است و عمل ناشایسته است که عمل صالح در دل آن معیار های نهفته است که تا به تبدیل به عمل صالح گردد. از جمله ایمان به خداوند، انجام کارهای درست، رعایت عدالت، راست گوی، داشتن تقوای الهی. این موارد شاخص های جزء شاخصه های شایسته سالاری از نظر قرآن در نظر گرفته می شود که حضرت نوح (ع) همه این ویژگی ها را داشت و فرزند ایشان فاقد چنین ویژگی ها بودند که خداوند نگذاشتن داخل سازمان (کشتی) شود و در نهایت هلاک شدند (تقفی تهرانی ۱۳۹۸ق، ج ۳: ۸۷). از آنچه تا کنون بیان گردید به روشنی می توان دریافت که هدایت و رهبری حضرت نوح (ع) مبتنی بر شایستگی ایشان بوده است.

۳- قدرت تصمیم گیری حضرت نوح (ع)

تصمیم گیری فرایندی را تشریح می کند که از طریق آن راه حل مسئله معینی انتخاب می گردد (رضائیان، ۱۳۸۸: ۵۲). برخی دیگر از اندیشمندان، تصمیم گیری را فرایند شناسایی و گزینش یک روند کار برای حل یک مسئله مشخص دانسته اند. به هر حال، می توان گفت که تصمیم گیری فرایندی است که طی آن انتخاب گزینه اصلح، از میان بدیل ها صورت می گیرد (پیروز، ۱۳۹۴: ۵۱). باید گفت که در میان وظایف مدیریت، تصمیم گیری اهمیت و جایگاه خاصی داشته گاهی مستقلاً پس از برنامه ریزی؛ گاهی به صورت غیر مستقل در ذیل مبحث برنامه ریزی، و گاهی در انتهای وظایف مدیریت طرح می شود تصمیم گیری در مدیریت اهمیت و جایگاه ویژه ای دارد. برخی صاحب نظران کیفیت مدیریت را تابع کیفیت تصمیم گیری می دانند؛ آن ها معتقدند، تصمیم گیری به تنهایی مهم ترین وظیفه مدیر است؛ زیرا کیفیت طرح ها و برنامه ها، اثربخشی، کارآمدی و استراتژی ها و کیفیت نتایجی که از اعمال آن ها به دست می



آید، تابع کیفیت تصمیماتی است که مدیر اتخاذ می کند (شفیعی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). تصمیم گیری در هماهنگی نمودن فعالیت های سازمان نیز نقش مهمی دارد از این رو، مدیران معمولاً تصمیم گیری را وظیفه اصلی خود به شمار می آورند؛ زیرا همواره در جستجوی یافتن راه های بهتر و سریع تر اجرا و جابه جایی نیروهای عملیاتی و تعیین زمان و مکان اجرای فعالیت های سازمان. اند (مقیمی، ۱۳۹۴: ۵۲-۵۳). به طور کلی می توان گفت که تصمیم گیری به عنوان یکی از مهمترین وظایف مدیریت و رهبری، انتخاب و گزینش است بعد از طی یک فرایند مشخص.

باید گفت که فرایند تصمیم گیری در سیره رهبری حضرت نوح (ع) مبتنی بر شناخت عالمانه از موقعیت و فضای حاکم بر زندگی در آن روزگار بوده است این فرایند به گونه ای بوده است دو قسم تصمیم گیری؛ یعنی مستقیم و غیر مستقیم را شامل می شده است. حضرت نوح (ع) همواره تصمیمات عقلانی و حکیمانه را برای هدایت و تغییر سرنوشت مردم گرفته است. تصمیمات حضرت نوح (ع) از عنایات ویژه الهی بر خوردار بوده و خطا و اشتباهی در تصمیمات حضرت نوح (ع) وجود نداشته است. در منابع تاریخی و قرآن کریم به طور واضح تصمیمات حضرت نوح (ع) در مواجه با انواع گرفتاری ها و مصیبت ها را بیان کرده است که نسل بشر امروز مرهون تصمیمات خرمندانانه حضرت نوح (ع) است (رادریگز، ۱۳۸۰: ۳۳۷). قرآن کریم می فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵۹). دستور صریح خداوند به مشورت کردن پیامبر با اصحاب در این آیه، نه صرفاً محدود به همان عصر و زمانه، که بیان کننده نوعی سیره در تمام تصمیم گیری ها است (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۵۱۰ و ۵۱۱). ضمن اینکه این آیه بیانگر فرایند تصمیم گیری است.

قدرت تصمیم گیری حضرت نوح (ع) را می توان در تصمیم او مبنی بر ساختن کشتی به خوبی درک کرد. او به دستور خداوند شروع ساخت کشتی کرد. قرآن کریم می فرماید: «وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ» (هود/۳۸). از نظر مفسران چند نکته اساسی در این آیه در رابطه با تصمیم گیری نهفته است. ۱- «وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ» حضرت نوح (ع) تصمیم گرفته بود که به خاطر فشار و حرف مردم، از اصلاحات و زمینه سازی برای آیندگان غفلت نکند. ۲- «مَرَّ عَلَيْهِ» حضرت نوح (ع) تصمیم گرفته بود کارگاه



کشتی سازی را در محل عبور و مرور مردم بسازد که همه از آن با خبر باشد. «کَلَّمَا مَرَّ» ۳- حرکت تبلیغاتی و ایذائی دشمن، همه جانبه، همیشگی و فراگیر است. حضرت نوح (ع) تصمیم برای مبارزه همه جانبه و مداوم گرفته است. ۴- «سَخِرُوا مِنْهُ» تصمیمات و کارهای انبیاء الهی دارای حکمت است در صورت نداشتن آن حکمت ها، نباید مسخره کرد. حضرت تصمیم گرفت بود که جهل و منطقی دشمن را بیشتر نمایان کند. مسخره کردن از جهل و عدم منطقی و برهان است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۵۷). در جای دیگر در همین رابطه می فرماید: «وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ» (هود: ۳۷). از منظر تفسیری نکات مهمی در این آیه نهفته است که بیانگر تصمیمات حضرت نوح (ع) می باشد. ۱- «وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ» خداوند اراده خود را از طریق حضرت نوح (ع) محقق ساخت که منجر به تصمیم سازی برای حضرت نوح (ع) و اقدام به کشتی سازی گردید. ۲- «وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا» حضرت نوح (ع) بعد از سخنرانی ها و دعوت های شفایی ارزیابی می کند که فقط دعوت لفظی کافی نیست و تصمیم می گیرد برای نجات آن دسته که اهل هدایت است به صورت عملی اسبابی را فراهم نماید. ۳- «بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا» تصمیم گیری همراه با خلاقیت و ابتکارات باید باشد در ساخت کشتی خلاقیت حضرت نوح (ع) به نمایش گذاشته می شود (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۵۶). بنابراین با توجه به تاریخ انبیا و آیات قرآن در این زمینه، از ویژگی ها و اصول هدایت و رهبری حضرت نوح، قدرت تصمیم گیری ایشان بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴- دانش و تخصص حضرت نوح (ع)

در سازمان های امروزی کسانی که صاحب تخصص هستند به عنوان مدیر انتخاب می شوند. مدیران سازمان ها باید دیگران را از میزان تحصیلات، تجربه ها، مهارت ها و معلومات خود آگاه سازند تا تصور دیگران را از میزان قدرت تخصصی و اطلاعاتی خود افزایش دهند. تخصص اساس انتخاب مدیر یا یک رهبر است و از نظر دین مقدس اسلام جایگاه ویژه دارد قرآن کریم همواره تخصص گرایی انبیاء الهی را به عنوان الگو اشاره می کند. از جمله تخصص حضرت نوح (ع) در کشتی سازی که تا به امروز به عنوان الگوی در صنعت کشتی سازی مطرح



است و بشریت از آن قدرت علمی و تخصص حضرت نوح (ع) همواره الهام می گیرد (شفیعی، ۱۳۹۵: ۱۵۱ و ۱۵۳). ماهیت تخصص از نظر فلسفی و شناختی به دو نوع است اول؛ تخصص های به صورت ویژه از طرف خداوند به پیامبران داده می شود. مثل (معجزه) که این نوع تخصص؛ عنایت خاص از جانب خداوند برای انجام رسالت است. برای ایجاد دور نمایی ذهنی و یاد آوری نمونه های از تخصص های که خداوند به انبیاء عنایت کرده است لازم است نمونه های از آن ها ذکر گردد. خداوند در مورد تخصصی که به حضرت داود عنایت کرده است. قرآن کریم می فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوبٍ لِّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» (انبیاء: ۸۰) این آیه به روشنی بیان می کند که خداوند به انبیاء تخصص و حرفه آموخته است که در شرایط خاص از آن استفاده نماید.

بررسی اجمالی سیره عملی پیامبران الهی و به ویژه حضرت نوح (ع) گواهی بر این مطلب است که یکی از عواملی که باعث می شود مردم دعوت پیامبران الهی را اجابت کنند و جذب آن ها و تسلیم دستورهای آنان شوند، تخصص تحت عنوان معجزه است. نوع معجزه (تخصص) که به پیامبران داده شده است این تخصص بستگی به زمان و مکان خاص داشتند. قرآن کریم در باره معجزه و تخصص حضرت نوح (ع) می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ» (حاقه: ۱۰). بر اساس مبانی مدیریت بحران اختلال که در سیستم به وجود می آید باید گونه ای مدیریت شود که کم ترین آسیب را به سازمان برساند. حضرت نوح (ع) به عنوان مدیر و رهبر برای هدایت قوم خود (سازمان) مأمور به هدایت آن ها از طرف خداوند بود تلاش های زیادی کردند در آخر قوم حضرت نوح (ع) هدایت نشدن و یک بحران تلقی می شد و حضرت نوح (ع) برای از بین بردن این بحران در خواست معجزه (تخصص مقابله با بحران) را می کند خداوند طوفان را فرستاده است که بحران شرک و بت پرستی از بین رود. قرآن کریم در رابطه با معجزه حضرت نوح (ع) می فرماید: «فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ» (حاقه/ ۱۰). آنچه از این آیات شریف می توان در این زمینه برداشت کرد این است که خداوند متعال معجزه را به عنوان یک قدرت تخصصی در اختیار پیامبرش حضرت نوح (ع) قرار



داده بود تا کسانی قلب های آن ها دیگر قابلیت هدایت نداشتن از بین برود و نابود شوند و کسانی که اهل ایمان است در هنگام طغیان آب به وسیله کشتی نجات پیدا کنند. بنابر این بهره گیری از قدرت معجزه و عنایات الهی برای اصلاح و هدایت و یا دفع و مقابله با دشمنان و بحران به عنوان یک تخصص در جهت کنترل سازمان استفاده می شود (شفیعی، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

مهارت و تخصص کشتی سازی حضرت نوح (ع) از شاهکار های تاریخی است تا هنوز ملت ها و ایادن مختلف مبهوت این نو آوری و خلاقیت حضرت نوح (ع) است. فرایندی کشتی سازی را خداوند در قرآن کریم اشاره می کند و می فرماید: «وَاصَّعَ الْفُلْکَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَّيْنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ» (هود/۳۷). از کلمه وحی در این آیه و دیگر کلمات به روشنی استفاده می شود که تخصص کشتی سازی و دانش آن را خداوند به حضرت نوح (ع) برای تسهیل رهبری و هدایت سازمانی اعطا کرد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۵۳). کشتی حضرت نوح (ع) ویژگی های منحصر به فردی داشته است. با وجود که موج های فراوان و کوه های زیاد در مسیر کشتی قرار داشته روان حرکت می کرده قرآن کرم می فرماید: «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَتَأْدَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ أَرَأَيْتَ لَوْ كُنتَ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود/۴۲). روان و با سرعت بودن کشتی از ویژگی های منحصر به فرد کشتی حضرت نوح (ع) بوده است. ویژگی دیگر استحکام کشتی است. قرآن کریم می فرماید: «فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ» (شعراء/۱۹). این آیه بیانگر این است که کشتی به گونه ای طراحی و ساخته شده بوده که از بالاترین استحکام و کامل ترین امکانات آن زمان برخوردار بود که آنها را سالم و سلامت برساند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۵: ۲۸۸). از آنچه تا کنون بیان گردید مشخص می شود که دانش و تخصص از اصول و الزامات اساسی در هدایت و رهبری سازمان است که حضرت نوح بدان به نحو بی نقصی مجهز بوده است.

۵- قدرت بیان و نفوذ حضرت نوح (ع)

معمولاً مدیرانی که در ارائه و پرورش موضوع و متقاعد ساختن دیگران تبحر دارند در ایجاد ارتباط مؤثر و مفید زیر مجموعه ای خود موفق تر هستند. چه بسیار مدیرانی فرزانه ای



هستند که توان بیان اندیشه های خود را حتی در برابر جمعی محدود ندارند؛ و چه بسیار کسانی که با مؤونه اندک علمی مخاطبان زیادی را جذب کلام و بیان زیبای خود می کنند. نقش قدرت بیان در ارسال پیام به قدری اهمیت دارد که حضرت موسی (ع) هنگام بعثت از خداوند بیان رسا و گویا تقاضا کرده است. قرآن کریم می فرماید: «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه/۲۷). در حقیقت حضرت موسی (ع) از خدا می خواهد که به او توان تفهیم و تبیین معارف الهی داده شود که بتواند پیامی که به او وحی می شود را با بیان شیوا برای مردم بیان کند. به عبارت دیگر از پروردگار خود تقاضا می کند که خدایا رابطه ای بین من و مردم برقرار کن که آنها مطالب و معارف را آن گونه که تو می خواهی از من دریافت کنند نه اینکه من از بیان حقیقت بازمانده و معارف غیر از آنچه مورد نظر است برداشت شود. بیان مغلوط؛ پیچیده و در لفافه سخن گفتن و به کار بردن اصطلاحات فراوان در تبلیغ پیامبران الهی وجود نداشت؛ چنان که واضح و روشن سخن می گفتند همه می توانستند از آن و بهره من شوند.

قدرت بیان و تأثیر کلام یکی از ویژگی های مهم مدیران در سازمان ها است. بر اساس منابع دینی و قرآنی قدرت بیان حضرت نوح (ع) به عنوان یک رهبر و مدیر سازمان از نظر نفوذ و تأثیر گذاری؛ بر دو بخش تقسیم می شوند: بخش اول تعدادی زیادی از قوم حضرت نوح (ع) بودند که از قدرت بیان حضرت نوح (ع) متأثر نمی شدند و بیان حضرت روی آن ها اثر نداشته و تأثیر نمی گذاشته است. «این موضوع به این معنا نیست که قدرت بیان حضرت نوح (ع) ضعیف بوده؛ بلکه حضرت نوح (ع) از بیان شیوا و بلیغ بر خوردار بوده است. حقایق و معارف دینی را برای هدایت قوم خود از گمراهی، با بیان رسا و فصیح ارائه می کردند. اکثر مردم نمی فهمیدن دلیل نفهمی آن ها بخاطر کثرت گناه و سیاهی قلب های آن ها بوده است که ظرفیت درک و فهم کلام و بیان حضرت نوح (ع) را نداشتند» در این رابطه قرآن کریم می فرماید: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا وَإِنِّي كَلِمًا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَغَفَّرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا» (نوح/۵). این شکایت حضرت نوح (ع) از قوم خود به خداوند بیانگر این است که این قوم بخاطر سرکشی و انجام گناه کلام حضرت نوح (ع) برای آن ها تأثیر نداشتند و قدرت برای درک کلام



حضرت نوح (ع) را از دست داده بودند. بخش دوم قدرت بیان حضرت نوح (ع) برای مؤمنین و موجودات دیگر تأثیر گذار بوده و آن با شنیدن کلام و بیان حضرت نوح (ع)؛ تحت تأثیر قرار گرفته و اطاعت می کردند.

در همین راستا قرآن کریم در جای دیگر می فرماید: «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ نَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (هود/۴۱). از این آیه روشنی قدرت بیان حضرت نوح (ع) فهمیده می شود که در مؤمن تأثیر گذار بوده است. در آیه دیگر حضرت نوح (ع) به حیوانات فرمان می دهد که داخل کشتی شوند. قرآن کریم می فرماید: «حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (هود/۴۰). بعضی از مفسران به این باور هستند که حضرت نوح (ع) با زبان سریانی حیوانات را مورد خطاب قرار می دهد که داخل کشتی شوند و آن با شنیدن صدای حضرت نوح (ع) از همه جا جمع شدن و داخل کشتی سوار شدن و این اوج قدرت و تأثیر گذاری بیان حضرت نوح (ع) را نشان می دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۵: ۳۴۴). از آنچه بیان گردید مشخص می شود که قدرت بیان از اصول جدایی ناپذیر مدیریت و رهبری در سازمان های الهی است. در همین راستا انبیای الهی بدین اصول مجهز بوده اند و بر اساس آیات قرآن کریم، حضرت نوح (ع) نیز آن را به نحو کامل و بی نقص دارا بوده است و از آن در پیشبرد امور سازمانی بهره می برده است و امروزه نیز رهبری سازمان های اسلامی بایستی بدان مجهز باشد.

۶- سعه صدر حضرت نوح (ع)

سعه صدر و وسعت نظر یکی از ویژگی های ضروری برای مدیران است. به ویژه اگر بخواهند وظیفه رهبری را انجام دهند؛ یعنی اگر مدیران بخواهند در کارکنان سازمان نفوذ کنند و بر عملکرد آنان تأثیر گذارند یکی از ابزارهای مهم و حیاتی برای این کار داشتن وسعت نظر، ظرفیت بالای فکری و روحی قدرت تحمل و شرح صدر می باشد. یکی از مفاهیم اخلاقی که در قرآن بر آن تأکید شده است. شرح صدر و سعه صدر است. شرح صدر ابزاری است که پیامبران الهی به عنوان (رهبران و مدیران) جامعه در مسیر رسالت خویش از آن بهره می گرفتند و در سایه این موهبت الهی، به تبلیغ دین و ارشاد مردم می پرداختند. سعه صدر قدرت تحمل و



ظرفیت بالایی بود که در اثر تسبیح و ستایش و بندگی خالص برای خداوند به حضرت نوح (ع) عنایت می شود سعه صدر در وجود حضرت نوح (ع) به گونه‌ای تجلی یافته بود حضرت را قادر می ساخت تا در برابر همه دشواری‌ها و سختی‌ها مقاومت کند و بر آن‌ها پیروز شود و با نفوذ در دل‌ها و جان‌های قوم خود آن‌ها را هدایت نمود. از اقوام جاهل انسان‌های پاک، و آراسته و کامل تربیت کند. حضرت نوح (ع) با سعه صدر که داشت توانست در مقابل تمام توهین‌ها، تحقیرهای که از ناحیه قوم خود متحمل می شد پیروز شود و در این راه هرگز ناامید نشد. اگر به نقش و جایگاه سعه صدر در مدیریت امروزی جامعه توجه شود سعه صدر و داشتن ظرفیت گسترده فکری و روحی می تواند در نفوذ و تأثیرگذاری مدیران بر کارکنان و زیردستان نقش به‌سزایی داشته باشد و باعث افزایش میزان اثربخشی و موفقیت مدیران. شود سعه صدر علاوه بر اینکه یکی از منابع اصلی قدرت است و در میزان نفوذ مدیران تأثیر بسیاری دارد، می تواند زمینه و مناسبی برای برخی دیگر از منابع قدرت مثل رفق و مدارا، الفت و محبت و دفع بدی با خوبی نیز باشد (پیروز، ۱۳۹۴: ۲۰۰ و ۲۰۲).

نمونه‌ی بلد خبیث که در قرآن کریم آمده است، قوم نوح می باشد. دعوت حضرت نوح (ع) جهانی بود؛ چون قوم او همه‌ی مردم آن روز زمین بودند و حضرت در نفرین خود همه‌ی کافران روی زمین را نفرین کرد و همه آن‌ها غرق شدند. قرآن کریم در رابطه تهدید حضرت نوح (ع) از طرف قوم آن حضرت را می فرماید: «قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ» (شعراء/۱۱۶). حضرت نوح (ع) با وجود این اذیت و آزارها از ناحیه قوم خود همواره با سعه صدر و خودگذشتگی به دعوت آن‌ها برای یکتاپرستی ادامه داد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِیْنَ» (هود/۳۲). با این حال خدا به او وحی کرد که باید سه صد سال دیگر مردم را دعوت کنی. برای همین این جریان تا نه صد سال ادامه یافت. بعد از آن بود که آن حضرت مامور به ساختن کشتی شد. در طول این مدت بدگویی و زخم‌زبان‌های مردم نسبت به حضرت قطع نشد. اگر این داستان در قرآن نیامده بود، به سختی می‌توانستیم باور کنیم که حضرت نوح (ع) در این مدت طولانی در برابر چه دشواری‌ها و مصائبی صبر و مقاومت کرده است و این همه سعه صدر داشته است. از این آیه



استفاده می شود که سعه صدر یکی از ویژگی های اساسی برای مدیریت است. قرآن کریم می فرماید: «وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ» (انبیاء/۷۳). منظور از اندوه عظیم (الکرب) به معنای غم شدید است و در اصل از کرب به معنی زیر و رو کردن زمین گرفته شده، چرا که اندوه شدید دل انسان را زیر و رو می کند، و توصیف آن به عظیم نهایت شدت اندوه نوح را می رساند. چه اندوهی از این بالاتر که طبق صریح آیات قرآن، ۹۵۰ سال دعوت به آئین حق کرد، اما طبق مشهور میان مفسران در تمام این مدت طولانی تنها هشتاد نفر به او ایمان آوردند تحمل این اندوه سعه صدر می خواهد که خداوند کریم به حضرت نوح (ع) در برابری تمام سختی و حتی طبق روایات شکنجه های از طرق قوم نوح سعه صدر عنایت کرده است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۱۷). بنابراین بایستی در رهبری و هدایت سازمان، سعه صدر داشت؛ خصیصه ای که حضرت نوح (ع) مجهز به آن بوده است.

کاربرد معاصر در سازمان ها	ارجاعات قرآنی اصلی	توضیح قرآنی و ویژگی های کلیدی	اصل رهبری
تقویت چشم انداز استراتژیک مدیران برای نوآوری و هدایت تیم ها در بحران ها.	هود: ۲۵ «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ»؛ نوح: ۱-۳ (تأکید بر بصیرت در دعوت).	حضرت نوح (ع) با بینش الهی، عمق بحران های بشری را کاوش کرده و بشر را از هلاکت به سوی توحید و نجات هدایت نمود؛ این اصل، تحول جهانی از طریق کشتی را رقم زد و نوح (ع) را به پیشگام کاوشگران ناشناخته ها تبدیل کرد.	بصیرت و آگاهی
ارزیابی شایستگی رهبران بر پایه اخلاق و	هود: ۲۹-۳۱ «إِنِّي أَسْأَلُكُمْ مَالًا إِنَّ	خداوند نوح (ع) را بر اساس معیارهای ایمان، تقوا،	اهلیت و شایستگی



کاربرد معاصر در سازمان‌ها	ارجاعات قرآنی اصلی	توضیح قرآنی و ویژگی‌های کلیدی	اصل رهبری
عدالت در فرآیندهای استخدام سازمانی.	كُنْتُمْ تَسْأَلُونَهُ؛ نوح: ۷) انتخاب بر اساس تقوا).	عمل صالح، صبر، و عدالت به عنوان رهبر برگزیده؛ این شایستگی الهی، مبنای مشروعیت رهبری است.	
توانمندسازی تصمیم‌گیری سریع و مبتنی بر داده در مدیریت پروژه‌های پیچیده.	هود: ۳۷ «وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا»؛ هود: ۴۰ (تصمیم نجات در طوفان).	نوح (ع) با قاطعیت، دعوت به توحید، ساخت کشتی در خشکی، و نجات مؤمنان را اجرا کرد؛ این اصل، موفقیت در برابر موانع را تضمین نمود.	قدرت تصمیم‌گیری
ترویج فرهنگ یادگیری مداوم و تخصص فنی در رهبران سازمانی برای حل مسائل نوظهور.	هود: ۳۶-۳۷ (دستور ساخت کشتی با جزئیات علمی)؛ نوح: ۴-۵ (پیش‌گویی آینده).	تخصص نوح (ع) در مهندسی کشتی و پیش‌بینی سرنوشت قوم (از طریق وحی)، الگویی برای رهبری دانش‌محور است؛ این علم، نجات نسل بشر را ممکن ساخت.	علم و تخصص
توسعه مهارت‌های ارتباطی و سخنوری برای انگیزش تیم‌ها و مذاکرات مؤثر.	نوح: ۱۰-۱۱ «فَأَسْرِفَ عَنْهُمْ»؛ هود: ۲۵-۲۶ (دعوت با بلاغت).	نوح (ع) با استدلال قاطع و نفوذ کلام، قوم را دعوت کرد و حتی حیوانات را با زبان‌شان به کشتی فرا	قدرت بیان و نفوذ کلام



اصل رهبری	توضیح قرآنی و ویژگی‌های کلیدی	ارجاعات قرآنی اصلی	کاربرد معاصر در سازمان‌ها
	خوانند؛ این اصل، تأثیر گذاری عمیق را نشان می‌دهد.		
صبر و بردباری (صحه صدر)	نوح (ع) با تحمل تمسخر و مخالفت ۹۵۰ ساله قوم، الگوی صبر انبیا شد؛ این خصیصه، پایداری رهبری در برابر چالش‌ها را تضمین می‌کند.	هود: ۳۴ «فَاصْبِرْ»؛ نوح: ۵ (صبر در برابر تکذیب).	پرورش (تاب‌آوری) در رهبران برای مدیریت استرس و تغییرات سازمانی.

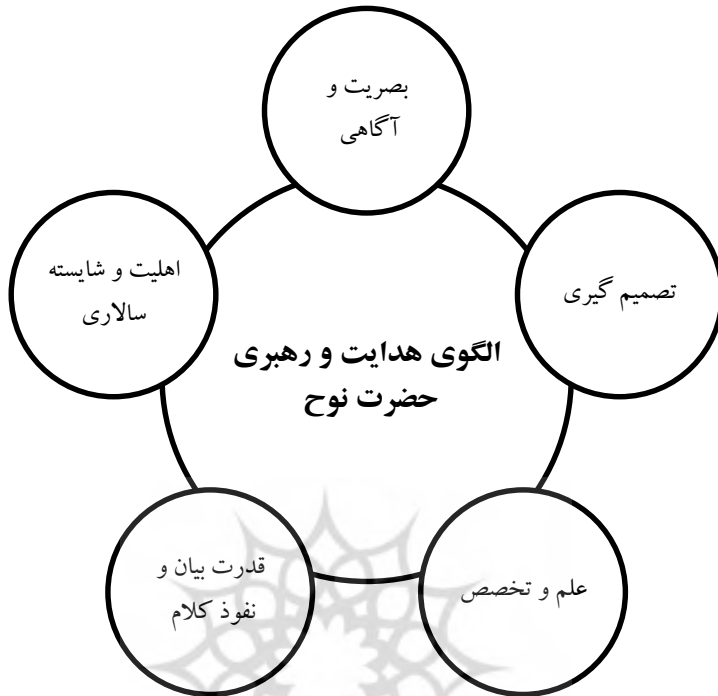
جدول یافته‌های تحقیق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه گیری

در این مقاله اصول و ویژگی های کلیدی رهبری حضرت نوح (ع) بر اساس الگوی قرآنی استخراج شده تبیین شد؛ الگویی که رهبری الهی را به عنوان مدلی تحول آفرین برای هدایت معاصر معرفی می کند. این الگو بر شش اصل بنیادین استوار است: بصیرت و آگاهی که نوح (ع) را به کاوشگر عمق بحران های بشری و هدایتگر به سوی توحید تبدیل کرد و جهان را از طریق کشتی نجات بخش دگرگون ساخت؛ اهلیت و شایستگی که با معیارهای ایمان، تقوا، عمل صالح، صبر و عدالت، مشروعیت الهی رهبری وی را تضمین نمود؛ قدرت تصمیم گیری که دعوت به خداشناسی، ساخت کشتی در ناممکن ها و نجات مؤمنان را با قاطعیت به پیروزی رساند؛ علم و تخصص که در مهندسی کشتی و پیش بینی سرنوشت قوم، الگویی دانش محور برای حل مسائل پیچیده ارائه داد؛ قدرت بیان و نفوذ کلام که با بلاغت استدلالی و دعوت حتی حیوانات به کشتی، تأثیر گذاری عمیق بر گروه های متنوع را نشان داد؛ و صبر و بردباری (صعه صدر) که تحمل ۹۵۰ سال مخالفت را به عنوان سپر پایداری رهبری برجسته ساخت. در نهایت، این اصول، هدایتگری شایسته و بهینه نوح (ع) را در رهبری قوم خویش رقم زدند و چارچوبی عملی برای رهبران امروز فراهم می آورند تا با الهام از این مدل الهی، تحولات اخلاقی و پایدار را هدایت کنند.



نمودار الگوی هدایت و رهبری حضرت نوح (ع) از منظر قرآن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

*قرآن کریم.

۱. آنجلو کینیکی و رابرت کیتنر، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمین، فرهنگی، علی اکبر و صفرزاده، حسین، انتشارات و پخش کتاب پویش، ۱۳۸۶.
۲. ایلی خدایار، ابوالعالی بهزاد، غفاریان وفا، انصاری قاسم و دیگران، میزگرد شایسته سالاری، بستر حضور در عرصه جهانی، فصلنامه تدبیر، شماره ۱۵۴، ۱۳۸۳.
۳. از گلی محمد، رهبری بصیر یا مدیریت آینده نگر، نشریه مصباح، شماره ۱۷، ۱۳۷۵.
۴. پیروز علی آقا، خدمتی ابوطالب، شفیعی عباس، بهشتی نژاد سید محمود، مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
۵. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ق.
۶. دهخدا، علی اکبر، (، لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۷. راد مهین، بررسی انواع هدایت در قرآن کریم، فصلنامه پژوهش و مطالعات علوم اسلامی شماره ۷، ۱۳۹۸.
۸. رادریگز، چاردل، مدیریت در عرصه بین‌المللی، مترجمان، حسن دانایی فرد، شمس‌السادات زاهدی، تهران: ناشر اشراقی صفار، ۱۳۸۰.
۹. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
۱۰. ستاری، زهرا، رهبری و نقش آن در ساختار سازمان، همایش کنفرانس بین‌المللی مدیریت و صنعت، ۱۴۰۰.
۱۱. سوری زهی، حمزه، رهبری خدمت‌گذار، تهران: سومین کنفرانس حسابداری و مدیریت، ۱۳۹۹.
۱۲. شفیعی، عباس، درآمدی بر رفتار سازمانی با رویکرد اسلامی (سطح تحلیل فردی). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.



۱۳. شیری، محمد رضا، قاسمی، سعید، الگوی مدیریتی در سیره حضرت نوح (ع)، فصلنامه مدیریت، ۱۳۹۸.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: انتشارات دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ۳۰ جلد، دارالمعرفه - لبنان - بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۶. طبیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
۱۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۱۸. مجد فر، مرتضی، اصول مدیریت و رهبری، تهران: نشر سرنا، ۱۳۷۱.
۱۹. مقیمی، محمد، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات راه دان، ۱۳۹۴.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۱. مورهد گرگوری، گریفین ریگی، رفتار سازمانی، مترجمان، سیدمهدی الوانی، غلامرضا معمارزاد، تهران: انتشارات موروارید، ۱۳۸۷.
۲۲. نینوس، برت، رهبری بصیر، مترجمان محمد از گلی، برزو فروهر، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۸.
۲۳. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.



References

*The Holy Qur'an.

۱. Angelo Kinicki & Robert Kreitner. *Organizational Behavior Management*. Translated by Ali Akbar Farhangi & Hossein Safarzadeh. Tehran: Pooyesh Publishing and Distribution, ۱۳۷۷.
۲. Abili, Khodayar; Abolalaei, Behzad; Ghafarian, Vafa; Ansari, Ghasem, et al. "A Roundtable on Meritocracy: A Platform for Global Presence." *Tadbir Quarterly*, No. ۴۴۴, ۴۴۴۴.
۳. Az Goli, Mohammad. *Insightful Leadership or Future-Oriented Management*. *Mesbah Journal*, No. ۷۷, ۶۶۶۶.
۴. Pirooz Ali Agha; Khedmati, Abutaleb; Shafiee, Abbas; Behishtinejad, Seyyed Mahmoud. *Management in Islam*. Qom: Research Institute of Hawzah and University, ۵۵۵۵.
۵. Seghafi Tehrani, Mohammad. *Tafsir-e Ravan-e Javid*. Tehran: Borhan Publications, ۱۳۸۸ AH (Islamic Calendar).
۶. Dekhoda, Ali Akbar. *Dekhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran Press and Publishing Institute, ۱۳۸۸.
۷. Rad Mihin. "A Study of the Types of Guidance in the Holy Qur'an." *Journal of Islamic Sciences Research and Studies*, No. ۷, ۹۹۹۹.
۸. Rodríguez, Chardel. *Management in the International Arena*. Translated by Hassan Danaeefard & Shamsossadat Zahedi. Tehran: Eshraghi Safar Publishing, ۱۳۱۱.
۹. Rezaeian, Ali. *Foundations of Organization and Management*. Tehran: SAMT Publications, ۹۹۹۹.
۱۰. Sattari, Zahra. "Leadership and Its Role in Organizational Structure." *International Conference on Management and Industry*, ۱۱ .
۱۱. Souri Zehi, Hamzeh. *Servant Leadership*. Tehran: Third Accounting and Management Conference, ۲۰۰۰.
۱۲. Shafiee, Abbas. *An Introduction to Organizational Behavior with an Islamic Approach (Individual-Level Analysis)*. Qom: Research Institute of Hawzah and University, ۶۶۶۶.



۳۳. Shiri, Mohammad Reza; Ghasemi, Saeed. "A Managerial Model in the Conduct of Prophet Noah (A)." *Management Quarterly*, ۹۹۹۹.
۴۴. Tabarsi, Fazl ibn Hasan. *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'rifah Publications, ۸۸۸۸ AH.
۵۵. Tabari, Muhammad ibn Jarir. *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir al-Tabari)*. ۱۰ vols. Beirut, Lebanon: Dar al-Ma'rifah, ۲۲۲۲ AH.
۶۶. Tayeb, Seyyed Abd al-Hossein. *Atiayb al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Eslam Publications, ۹۹۹۹.
۷. Qaraati, Mohsen. *Tafsir-e Noor*. Tehran: Lessons from the Qur'an Cultural Center, ۴۴۴۴.
۸۸. Majdfar, Morteza. *Principles of Management and Leadership*. Tehran: Sorna Publications, ۲۲ .
۹۹. Moghimi, Mohammad. *Principles and Foundations of Management from the Perspective of Islam*. Tehran: Rahdan Publications, ۵۵۵۵.
۱۰. Makarem Shirazi, Naser. *A Selection of Tafsir-e Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah, ۷۷۷۷.
۱۱. Moorhead, Gregory & Griffin, Ricky. *Organizational Behavior*. Translated by Seyyed Mehdi Alvani & Gholamreza Memarzadeh. Tehran: Mowarid Publications, ۸۸۸۸.
۲. Ninos, Bert. *Insightful Leadership*. Translated by Mohammad Az Goli & Borzou Forouhar. Tehran: Imam Hossein University Press, ۹۹۹۹.
۳۳. Hashemi Rafsanjani, Ali Akbar. *Tafsir Rahnama*. Qom: Bustan-e Ketab, ۷۷۷۷.